

پژوهشهای حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۲۹

هزار و سیصد و نود و پنج - نیمسال اول

- ۵ انتقال ویروس ایدز و ارتکاب فعل نوعاً کشنده
علیرضا امامدادی - ابراهیم تقی زاده - محمدعلی طاهری
- ۲۳ اصل مشروعیت، حاکمیت و دگراندیشی در چارچوبهای سنتی حقوق بین الملل
حسین سرتیپی
- توسعه و انتقال فناوری دریایی از دیدگاه حقوق بین الملل توسعه و انتقال فناوری
در تنوری و عمل
اکبر ادیبی
- ۶۷ کشورهای در حال توسعه و نظام حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت
سپیده زبردست
- ۱۱۷ مطالعه تطبیقی تفسیر موسع و مضیق از قاعده تفسیر قرارداد به زبان
تنظیم کننده در قراردادهای بیمه
علیرضا یزدانیان - حمید آرابی
- ۱۳۷ بررسی امکان تحقق جرم علیه اموال مشاع توسط شریک
محمد باقری کمارعلیا - ناصر نصرتی صدقیانی
- ۱۶۱ بانک جهانی در تلاش برای دستیابی به حفظ صلح و امنیت بین المللی
ملیحه بهفر
- ۱۷۹ منطقه پرواز ممنوع در حقوق بین الملل با توجه به عملکرد شورای امنیت
عقیل محمدی





انتقال ویروس ایدز و ارتکاب فعل نوعاً کشنده

علیرضا امام‌دادی*

ابراهیم تقی‌زاده** - محمدعلی طاهری***

چکیده:

گسترش بیماری ایدز در سال‌های اخیر و فقدان درمانی برای آن باعث شده تا انتقال و سرایت این بیماری بتواند به عنوان عاملی برای صدمه زدن به اشخاص و وقوع جنایت باشد. در صورت وقوع مرگ در نتیجه انتقال ویروس ایدز، عمل فرد انتقال‌دهنده را می‌توان به عنوان قتل تحت تعقیب قرار داد. از طرف دیگر ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ یکی از شقوق ارتکاب قتل عمدی را هنگامی می‌داند که قاتل عمداً کاری را که نوعاً موجب جنایت باشد، هر چند بدون قصد جنایت، انجام دهد. لذا عمدی دانستن قتل در این موارد ناشی از خصوصیت عمل ارتكابی و شرایطی است که قانونگذار برای مفهوم کار نوعاً کشنده در نظر گرفته است. به همین دلیل انتقال ویروس ایدز در صورتی که منجر به مرگ قربانی آن شود، تحت شرایطی می‌تواند به عنوان عمل نوعاً کشنده محسوب شود.

کلیدواژه‌ها:

ایدز، جنایت، قتل عمد، فعل نوعاً کشنده، قصد قتل.

مقدمه

بیماری لاعلاج ایدز، یکی از خطرناک‌ترین بیماری‌هایی است که بشر از آغاز زندگی در این کره خاکی تا به حال با آن روبه‌رو شده است. عامل این بیماری با حمله به سیستم دفاعی و ایمنی بدن و ایجاد اختلال در آن، فرد مبتلا را در مقابل انواع بیماری‌ها و عفونت‌ها تضعیف نموده و نهایتاً باعث مرگ او می‌شود.^۱ لذا این ویروس کشنده می‌تواند به عنوان عاملی برای ارتکاب سنگین‌ترین جرم علیه تمامت جسمانی اشخاص یعنی جرم قتل باشد. از طرف دیگر در بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ رفتار کسی را که عمداً کاری انجام می‌دهد که نوعاً موجب وقوع جنایت باشد، علی‌رغم عدم احراز قصد، جنایت عمدی دانسته است. در این بند آمده است:

«هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.»^۲

در این بند، قصد جنایت مطرح نیست و ملاک عمدی بودن جنایت «نوع کاری» است که مرتکب انجام می‌دهد اگر کار انجام‌شده به گونه‌ای باشد که نوعاً کشنده و قابلیت سلب حیات را داشته باشد هر چند که مرتکب فاقد قصد قتل باشد، قتل عمدی است.^۳ بدین ترتیب هرگاه کسی فرد دیگری را که شنا نمی‌داند به داخل استخر عمیق پرتاب کند یا وی را از بالای بلندی به پایین اندازد و یا به طرف او گلوله‌ای شلیک نماید در صورت وقوع مرگ یا جراحت، عمل وی حتی در صورت فقدان قصد قتل یا ایراد صدمه، عمدی محسوب خواهد شد. لذا هدف از این تحقیق آن است که بدانیم انتقال ویروس ایدز در چه شرایطی می‌تواند کاری نوعاً کشنده محسوب شده و مرتکب آن بر این اساس مسؤول وقوع صدمات و مرگ عمدی باشد. به همین جهت ابتدا باید به بررسی مفهوم کار نوعاً کشنده بپردازیم تا ببینیم آیا انتقال ویروس ایدز هم مشمول این مفهوم می‌شود یا خیر.

۱. عزیزمحمدی، وکیلی و قبادیان، جهان در دام ایدز، ۳.

۲. ماده ۲۰۶ ق.م.ا. ۱۳۷۰ بیان می‌داشت: «مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخصی را نداشته باشد.» بند ب ماده ۲۷۱ ق.م.ا. ۱۳۷۰ «وقتی که جانی عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب قطع یا جرح عضو باشد، هر چند قصد قطع عضو یا جرح نداشته باشد.»

۳. سپهوند، جرایم علیه اشخاص، ۴۵.

۱- سیر تحول مفهوم آلت قتاله و فعل نوعاً کشنده در قوانین کیفری ایران

۱-۱- قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۵۲ و قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰

در قانون مجازات عمومی سابق قتاله بودن آلت مورد استفاده قاتل موجب می‌شد که عمل وی در حکم قتل عمدی محسوب شود. مثل وقتی که وی از خنجر، چاقو، هفت‌تیر و امثال اینها علیه دیگری استفاده می‌کرد. در ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی سابق آمده بود: «هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که منتهی به موت مجنی‌علیه گردد، بدون اینکه مرتکب، قصد کشتن را داشته باشد به حبس جنایی درجه یک از سه سال تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد، مشروط بر اینکه آلتی که استفاده شده آلت قتاله نباشد و اگر آلت قتاله باشد، مرتکب در حکم قاتل عمدی است» مسأله‌ای که در این زمینه باعث اختلاف بین حقوقدانان شده این است که رابطه بین آلت قتاله و فعل نوعاً کشنده چیست، یا به عبارت دیگر آیا منظور از کار نوعاً کشنده مذکور در بند ب مواد ۲۰۶ و ۲۷۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، همان آلت قتاله ذکر شده در ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی سابق است؟ در این زمینه عده‌ای معتقدند که «مشروط بر اینکه آلتی که استعمال شده، آلت قتاله نباشد، و اگر آلت قتاله باشد مرتکب در حکم قتل عمدی است». اقتباس از فقه است و در توجیه این نظر اضافه می‌کنند «به نظر فقهای امامیه، قتل به وسیله آلت قتاله هر چند قاتل قصد قتل نداشته باشد در حکم عمد است زیرا ضارب در انتخاب آلت مرتکب خطا و تقصیری می‌شود که اگر آن را مرتکب نمی‌شد، این نتیجه حاصل نمی‌گردید لذا می‌توان اصطلاح آلت را مترادف وسیله دانست و وسیله اعم است از ذی‌روح و غیر ذی‌روح و جماد و غیر جماد، بنابراین، اعضای بدن خود مرتکب یا غیر او یا حیوانی که به وسیله مرتکب تحریک شده باشد مانند سگ یا اشیایی مانند انواع سلاح جنگی و غیر جنگی یا چوب و سنگ و دسته هاون و آب و گاز و برق و غیره ممکن است آلت قتاله باشد».^۴

به همین دلیل در پیروی از این دیدگاه، عده‌ای معتقدند که «مواردی که قاتل عمداً کاری انجام دهد که نوعاً کشنده باشد ناظر به آلت قتاله است زیرا فی‌الواقع این نوع قتل شبه عمد است ولی با عنایت به اینکه آلت قتاله و نوعاً کشنده است، قتل عمدی تلقی شده است.»^۵ اما نظر دیگری که اغلب حقوقدانان پذیرفته‌اند غیر از آن است و معتقدند منظور از کشنده بودن

۴. پاد، جرایم نسبت به اشخاص، ۱۱۰-۱۰۹.

۵. شامبیانی، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۱، ۱۵۳.

عمل در ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ «عبارت است از انجام عمل به نحوی که قابلیت سلب حیات را داشته باشد، به عبارت دیگر قاتل عمل را به صورتی انجام دهد که با تلقی عرف و بدون تردید سلب حیات مترتب بر آن باشد.»^۶ از طرفی عبارت مندرج در بندهای (ب) و (ج) ماده ۲۰۶ قانون مذکور ناسخ ضمنی جزء دوم ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی سابق ناظر به قتل در حکم عمدی است. همچنین با توجه به اینکه قانونگذار در متن ماده اخیرالتصویب از تعبیر آلت قتاله صرف نظر کرده و به جای آن لفظ «کار» را به طور مطلق به کار گرفته است و با عنایت به معنای اصطلاحی «عمل مجرمانه» که یکی از عناصر عمومی هر پدیده جزائی از قبیل قتل است، به نظر می‌رسد که منظور اصلی قانونگذار، ارتکاب نوع عملی است که از ناحیه مرتکب در مورد مقتول انجام یافته است، هر چند آن عمل انجام یافته به جهت ضعف یا ناتوانی مقتول منجر به مرگ وی شده باشد. به عبارت دیگر مقصود از جمله «عمداً کاری انجام دهد» ناظر به خصوصیات فعل کشنده است نه آلت قتاله.^۷

۱-۲- مفهوم فعل نوعاً کشنده در فقه امامیه

مفهوم فعل نوعاً کشنده در کلام فقها و روایات مختلف نیز آمده است. امام صادق (ع) در این خصوص می‌فرماید: «ان العمدان يتعمد بما يقتل مثله و لا يريدان يقتله بما لا يقتل مثل» یعنی قتل عمد آن است که قاتل در زدن با آلتی که نوعاً کشنده است متعمد باشد. در روایتی دیگر که فضل بن عبدالملک از امام صادق (ع) نقل کرده آمده است: «اذا ضرب الرجل بالحديد، فذلك العمد» این روایت دلالت می‌کند بر اینکه زدن با آهنی که نوعاً کشنده است، قتل عمد محسوب می‌شود، اگر چه ضارب ابتدائاً قصد قتل نداشته باشد. زیرا با قصد قتل، خصوصیتی برای آهن نیست که در روایت ذکر شده است.^۸

شیخ طوسی نیز مفهوم فعل نوعاً کشنده را این گونه بیان می‌دارد: «... او یکون فعله مما قد جرت العاده بحصول الموت عنده...» یعنی عمل او از اعمالی باشد که عادتاً به سلب حیات منجر شود.^۹

۶ پوربافرانی، جرایم علیه اشخاص، ۳۶.

۷ صالح‌ولیدی، جرایم علیه اشخاص، ج ۲، ۷۱-۷۰.

۸ پیرداده بیرانوند، «بررسی مبانی فقهی مجازات قتل عمد»، ۱۰۴.

۹ شیخ طوسی، النهایه، ج ۲، ۷۵۴.

در مبانی تکمله المنهاج نیز آمده است: «بل الاظهر تحقق العمد به قصد ما یکون قاتلاً عاده ان لم یکن قاصدا القتل ابتدائاً ما لم یکن قاصدا القتل...» یعنی بلکه اظهر این است که قتل عمد محقق می‌شود در جایی که فعل انجام شده از روی عمد و قصد به طور معمول کشنده باشد، هر چند که قاتل قصد ابتدائی برای کشتن آن فرد را نداشته باشد.^{۱۰} همان‌طور که ملاحظه می‌شود در گفتارهای فوق به فعل نوعاً کشنده اشاره شده است و همچنین بنا بر نظر اخیر حتی نیاز به وجود قصد ابتدائی برای کشتن نیست، بلکه آنچه مد نظر است فعل و عمل کشنده است. همچنان که شهید ثانی نیز در این خصوص عمد در فعل را بیان می‌دارد هر چند قصد قتل وجود نداشته باشد: «و فی حکمه تعمد الفعل دون القصد اذا کان الفعل مما یقتل غالباً کما سبق» یعنی در جایی که عمل از اموری است که غالباً کشنده است، انجام عمدی بدون قصد قتل نیز در حکم قتل عمد است.^{۱۱}

صاحب جواهر الکلام نیز در تأیید این دیدگاه معتقد است که «بل یکفی قصد ما سببه معلومه عاده و ان ادعی الفاعل الجهل به، اذا لو سمعت دعواه بطلت اکثر الدماء کما هو واضح» یعنی برای عمدی بودن قتل، معمولاً کشنده بودن وسیله هر چند قاتل کشنده بودن آن را انکار کند کافی است. زیرا اگر انکار قاتل را بپذیریم اکثر خون‌ها پایمال می‌شود.^{۱۲} شهید ثانی در مسالک الافهام می‌گوید «اگر شخصی دیگری را با تیر بزند و بکشد، قاتل کشته می‌شود چون این کار غالباً با قصد قتل همراه است» همچنین امام خمینی (ره) نیز می‌فرماید: «و یتحقق العمد محضاً بقصد القتل بما یقتل به غالباً و ان لم یقصد.»^{۱۳} صاحب ریاض المسائل نیز قتل را در صورتی عمدی می‌داند که یا عمل ارتکاب یافته با قصد قتل باشد یا با انجام عملی که غالباً باعث مرگ می‌شود اگر چه قصد قتل وجود نداشته باشد مانند انداختن در آتش یا زدن مکرر با عصا به نحوی که فرد قدرت تحمل آن را نداشته و فوت نماید.^{۱۴}

بدین ترتیب، فعل نوعاً کشنده به خصوصیت عمل توجه دارد بدون اینکه برای ماهیت آلت به کار برده شده اهمیتی قائل شود. از نظرات فوق نیز چنین برداشت می‌شود که فقها نظر

۱۰. خوئی، مبانی تکمله المنهاج، ج ۱ و ۲، ۷۵.

۱۱. دادمرزی، فقه استدلالی، ۶۵۲.

۱۲. نایب‌زاده، ترجمه جواهر الکلام، قصاص، ج ۱، ۲۱.

۱۳. نوکنده‌ای، تحلیل حقوقی قتل عمد، ۱۱۴-۱۱۳.

۱۴. طباطبائی، ریاض المسائل، ج ۱۴، ۳.

به نوع فعل داشته‌اند نه نوع آلت. لذا فقها ضابطه مشخصی در تمییز افعال و آلات غالباً کشنده ارائه نکرده‌اند و علی‌الظاهر به استعمال عرفی آلت توجه نموده‌اند و اشیائی را که عرفاً به کارگیری آنها منجر به قتل می‌شود را داخل در وسایل قتاله و مؤثر در نوع قتل می‌شناسند و معتقدند که فعل و آلت قتل باید صلاحیت جان‌شینی قصد قتل را داشته باشد.

۱-۳- مفهوم فعل نوعاً کشنده در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲

با توجه به ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، قصد وقوع نتیجه جنایت، گاه به صورت مستقیم (صریح) است، به نحوی که صرف احراز قصد برای محکوم نمودن مرتکب به جنایت عمدی کفایت می‌کند، که این حالت در بند الف ماده مزبور چنین آمده است: «هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.» همچنین ممکن است مرتکب بدون آنکه قصد صریح و مشخصی نسبت به امثال رفتار مجرمانه داشته باشد، به صرف انجام عملی که نوعاً کشنده است محکوم به ارتکاب جنایت عمدی شود. در این صورت کشنده بودن رفتار مرتکب ممکن است ناشی از عملی باشد که انجام می‌دهد و یا ناشی از شرایط و وضعیت خاص مجنی‌علیه (نامتعارف) و یا شرایط زمانی و مکانی.^{۱۵} بند ب ماده ۲۹۰ در این خصوص بیان می‌دارد: «هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هر چند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد...»

همان‌طور که مشاهده می‌شود در این بند از عبارت کاری که نوعاً موجب جنایت شود استفاده شده است، و با توجه به نظر فقهای امامیه، فعلی که نوعاً موجب جنایت می‌شود به خصوصیت عمل توجه دارد که می‌توان گفت این کار دارای مصادیق مختلفی است؛ مانند کار در مفهوم فعل یا عمل و منظور از کار کشنده فعلی است که از سوی مرتکب انجام گرفته و مرگ، ناشی از شدت آن باشد و عامل دیگری از قبیل وسیله یا حساسیت عضو، تأثیری در وقوع مرگ نداشته باشد. یا کار کشنده می‌تواند استعمال وسیله کشنده‌ای باشد و یا ممکن است ترکیبی از رفتار مرتکب و موضع حساس باشد مانند زدن چوب بر سر دیگری.^{۱۶}

۱۵. الهی‌منش و مرادی اوجفاز، حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص، ۱۶۳.

۱۶. آقایی‌نیا، جرایم علیه اشخاص، ۸۱.

دیوان عالی کشور نیز در آراء مختلفی عمل قتل عمدی را به دلیل ارتکاب کار نوعاً کشنده و به اعتبار حساس بودن موضع بیان کرده است، مانند ایراد ضربه به وسیله بیل به سر، که موجب مرگ شود یا ایراد جرح به وسیله قیچی در ناحیه قلب و یا زدن سیلی به شقیقه.^{۱۷}

بنابراین، به طور کلی منظور از کار نوعاً کشنده در جنایات عمدی ایجاد صدماتی است که گاه به اعتبار وسیله و آلت به کار رفته در جنایت و گاه به دلیل حساسیت موضع اصابت در مورد هر انسان متعارفی موجب سلب حیات از مجنی‌علیه شود.^{۱۸}

حال که با مفهوم کار نوعاً کشنده (فعلی که نوعاً موجب جنایت می‌شود) و برخی از مصادیق آن آشنا شدیم می‌توان گفت چون ایدز ویروسی است که ورود آن به بدن باعث مختل شدن سیستم ایمنی و دفاعی آن می‌شود و در نتیجه زمینه‌ساز بروز انواع بیماری‌ها و عفونت‌ها شده و هنوز هیچ معالجه و دارویی نیز برای مقابله با این ویروس کشف نشده و در نهایت مرگ قربانی را به دنبال دارد، پس عاملی کشنده است و بدین جهت انتقال آن به انسانی دیگر به دلیل حساسیت بدن فرد به این ویروس و آسیب دیدن سلامت انسان، عملی کشنده محسوب می‌شود. از طرف دیگر، در علم پزشکی نیز از ایدز به عنوان بیماری کشنده نامبرده می‌شود.^{۱۹} پس انتقال ویروس ایدز می‌تواند کاری نوعاً کشنده در قتل ناشی از انتقال این بیماری به اعتبار عاملی که در قتل به کار برده شده محسوب شود. لذا حسب قاعده، اگر اعمالی نظیر دخول جنسی و تزریق فرآورده‌های خونی آلوده به قصد قتل مجنی‌علیه، ارتکاب یابند مطابق بند الف ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، و الا با لحاظ شرایط مندرج در بند ب این ماده، به دلیل کشنده بودن این بیماری به عنوان اقدامی که نوعاً موجب وقوع جنایت می‌شوند، قابل بررسی خواهند بود. به عنوان مثال اگر شخص آلوده‌ای به ویروس ایدز به قصد قتل دیگری اقدام به اهدای خون خود به وی نماید و در نتیجه، مجنی‌علیه نیز جان خود را از دست بدهد، اقدام متهم برابر با بند الف ماده ۲۹۰ قابل مجازات خواهد بود. اما اگر متهم با علم از وضعیت ابتلای خود و همچنین علم به کشنده بودن این بیماری بدون آنکه طرف مقابل مثلاً همسر خود را از این امر مطلع نموده باشد، اقدام به

۱۷. آراء شماره ۶۳۹ مورخ ۳۶/۳/۵، ۲۲۸۳ مورخ ۳۵/۵/۱۱ و ۳۵۲۶ سال ۱۳۲۱ هیأت عمومی، نقل از:

گلدوزیان، محشای قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷.

۱۸. گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی، ۲۵.

۱۹. آدلر، راهنمای پزشکی خانواده (ایدز)، ۱۸.

برقراری رابطه جنسی با وی نماید، هر چند که قصد قتل وی را نیز نداشته باشد، اما از آنجایی که عمل مذکور نوعاً کشنده به شمار می‌آید، فعل مزبور در صورت فوت مجنی‌علیه مطابق بند ب ماده ۲۹۰ جنایت عمدی از نوع قتل به شمار خواهد آمد.^{۲۰}

۲- قصد وقوع جنایت در ارتکاب افعال نوعاً کشنده

نکته دیگری که در خصوص ارتکاب افعالی که نوعاً موجب وقوع جنایت می‌شوند، باید بدان پرداخته شود این است که عده‌ای معتقدند که قصد ارتکاب فعل مجرمانه با آلت قتاله و فعل نوعاً کشنده در قتل و انجام کاری که نوعاً موجب قطع یا جرح عضو می‌شود، در جنایات مادون نفس حکایت از وجود قصد نتیجه و عمد در جنایت بر دیگری دارد. به عبارت دیگر، در این خصوص بیان شده متهم هم قصد کار نوعاً کشنده را دارد و هم قصد نتیجه را، پس در قتل عمد با کار نوعاً کشنده نیز قصد قتل وجود دارد اما نیازی به اثبات آن نیست. یعنی کسی که مرتکب کار نوعاً کشنده می‌شود و در عین حال از علم و اراده برخوردار است، حتماً قصد قتل دارد.^{۲۱}

بدین ترتیب، به اعتقاد این عده، رکن رکین قتل عمد در بندهای چهارگانه ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ (بندهای سه‌گانه ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰) قصد قتل است و این قصد در بندهای ب، پ و ت تبعی بوده و نوع فعل مرتکب، کاشف از قصد مرتکب است و به نوعی قصد قتل مرتکب در این موارد مفروض تلقی می‌شود. به اعتقاد بعضی از حقوقدانان قانونگذار مسأله سوء نیت خاص را در چنین مواردی اثبات شده می‌داند یعنی فرض سوء نیت خاص به صرف انجام فعل نوعاً کشنده محقق شده است و در واقع، در این حالت قانونگذار اماره یا فرض قانونی وجود اراده مجرمانه را پیش‌بینی نموده است. یعنی همین که شخص در ارتکاب آن عمل اراده داشته باشد مقنن فرض می‌کند که در حصول نتیجه آن اعمال نیز اراده داشته است.^{۲۲} به عبارت دیگر، در قتل، استعمال آلات قتاله و ارتکاب افعال غالباً کشنده، دلیل وجود قصد سابق بر حصول نتیجه مجرمانه خواهد بود.^{۲۳}

۲۰. احسان‌پور، مسؤولیت کیفری ناشی از انتقال ویروس ایدز، ۹۶-۹۷.

۲۱. شاکری و مرادی کندلانی، «بررسی رکن روانی قتل عمد با کار نوعاً کشنده»، ۱۳۵-۱۴۵.

۲۲. شامبیاتی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ۴۰۶.

۲۳. صادقی، جرایم علیه اشخاص، ۱۱۳.

ولی این نظر هم با توجه به متن بند ب ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی سابق و همچنین بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اولاً، این ادعا با نص بند ب که می‌گوید «هر چند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد» در تعارض است ثانیاً، استناد به بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی ملازمه با فقدان قصد از سوی مرتکب دارد و هر آینه، قصد مرتکب به ارتکاب جنایت عمدی بر مجنی‌علیه به هر طریقی به اثبات برسد، مورد از شمول بند ب خارج و در چهارچوب بند الف قرار می‌گیرد. همچنین اصطلاح کار نوعاً کشنده جایگزین قصد کشتن شده است و در واقع، جزئی از رکن مادی جرم است که مقنن آن را جایگزین رکن معنوی (قصد نتیجه) نموده است.^{۲۴} بدین ترتیب، کسی که قصد انجام کار نوعاً کشنده را کرده ممکن است واقعاً قصد قتل را نداشته باشد، (مانند فردی که با علم به آلوده بودنش به ویروس ایدز و انتقال این ویروس از راه تماس جنسی با دیگری رابطه جنسی برقرار می‌کند ولی قصد مرگ او را ندارد) ولی از آنجا که کار نوعاً کشنده، کاری خطرناک و مرگ‌آور در خصوص انسان محسوب می‌شود، اگر فردی مرتکب این عمل در مورد شخص دیگری شود چون باعث یک بی‌احتیاطی شدید و غیر قابل چشم‌پوشی شده است، در صورت حدوث مرگ و یا جنایتی مادون نفس، حادثه روی داده‌شده عمدی تلقی می‌شود. پس عمدی محسوب کردن جنایتی که به سبب کار نوعاً کشنده روی داده است بدین جهت است که قصد انجام کاری شده که درباره سلامت و حیات دیگری نتایج زیانباری به دنبال دارد مانند انتقال ویروس ایدز. هر چند آن نتایج واقعاً مورد نظر نبوده است. به عبارت دیگر نوعاً کشنده بودن عمل به دور از توجه مردم نبوده و عرف جامعه آن را وسیله مرگ تشخیص می‌دهد و مرتکب نیز که در میان مردم بوده و آشنا به امور متعارف آنهاست طبیعتاً باید بر کشنده بودن کار خودش آگاهی داشته باشد. بدین ترتیب چون شخص اهل عرف است، ادعای خلاف عرف و عادت از او پذیرفته نمی‌شود. مضافاً بر اینکه اگر بخواهیم این ادعا را بپذیریم، خون‌های فراوانی تضییع می‌شود. لذا جهت حفظ نظم عمومی و رعایت حرمت دماء اشخاص، قانونگذار ادعای عدم عمد فاعل

۲۴. آقای‌نیا، پیشین، ۸۰-۷۸، در همین رابطه در تحریر الوسیله آمده است «عمد محض به قصد کشتن با آنچه کشته می‌شود، و لو به ندرت و به قصد فعلی که غالباً به آن کشته می‌شود. اگر چه قصد قتل را ننماید تحقق پیدا می‌کند».

را در این موارد نمی‌پذیرد که این امر را در لسان حقوقی «اماره قانونی غیر قابل رد» می‌نامند.^{۲۵}

قید دیگری که مقنن برای تحقق بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی لازم دانسته کشنده بودن نوعی کار است و همان‌طور که اشاره شد، منظور آن است که عمل روی داده‌شده نسبت به یک انسان متعارف، (یعنی کسی که واجد اوصاف بلوغ، سلامتی و توانمندی بوده) کشنده باشد.^{۲۶}

در همین خصوص شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور، در دادنامه شماره ۲۷۰-۲۶/۰۵/۱۳۷۱ بیان می‌دارد: «با توجه به محتویات پرونده و امان نظر در آن و با توجه به اعترافات صریح متهم که با میلگرد آهنی بر سر و بدن مقتول زده است که موجب شکسته شدن استخوان سر و ترقوه گردیده است، ادعای اینکه قصد کشتن نداشته است قبول نمی‌شود و بر فرض قبول آن، منطبق با بند ب ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی می‌باشد...»^{۲۷}. با این توضیح می‌توان گفت در حال حاضر ایدز ویروسی آسیب‌زا و کشنده نسبت به همه انسان‌ها محسوب می‌شود و انتقال آن به عنوان عملی نوعاً کشنده قابل شناسایی است.

۳- لزوم یا عدم لزوم علم مرتکب نسبت به کشنده بودن انتقال ویروس ایدز

سوال دیگری که درباره فعل نوعاً کشنده و به تبع آن، انتقال ویروس ایدز قابل طرح است این است که آیا علم مرتکب نسبت به کشنده بودن نوعی کار، ضروری است؟ به عبارت دیگر اگر شخصی در انجام عملی نسبت به دیگری قاصد بوده و ماهیت کاری که انجام می‌دهد نیز کشنده باشد و منتهی به مرگ طرف گردد، ولی مرتکب به وصف کار خود یعنی کشنده بودن نوعی جاهل باشد، آیا نتیجه عمل ارتكابی را می‌توان جنایت عمدی به حساب آورد؟ عده‌ای ممکن است استدلال کنند چون قانونگذار به علم مرتکب اشاره نکرده در نتیجه احتیاجی نیست که به آن پرداخته شود. مهم، کار نوعاً کشنده بود که انجام شده است.^{۲۸} اما این استدلال صحیح به نظر نمی‌رسد. بعضی از فقها همچون مرحوم محقق و صاحب جواهر، علم و توجه قاتل را نسبت به کشنده بودن عمل شرط می‌دانند. آیه‌الله خوبی نیز این شرط را لازم

25. www.notary.ir

۲۶. آقای‌نیا، پیشین، ۸۱.

۲۷. دادگر، قانون مجازات اسلامی در آینه آراء دیوان عالی کشور، قتل عمد، ج ۱، ۹۸.

۲۸. نوکنده‌ای، پیشین، ۱۱۷، به نقل از: سپهوند.

دانسته و در صورت عدم علم، قتل مزبور را شبه عمد می‌دانند. همچنین آیه‌الله مرعشی در خصوص موضوع معتقد است که «موضوع قتل عمد یکی از دو مورد زیر است: ۱- قاتل قصد قتل داشته باشد؛ ۲- قاتل عملی انجام دهد که نوعاً کشنده بوده و به ماهیت کشندگی عمل خود عالم باشد.»^{۲۹}

صاحب جواهر الکلام نیز بیان می‌دارد: «قتل عمد در دو صورت تحقق می‌یابد، یا فرد عاقل بالغی کاری را به قصد قتل دیگری انجام می‌دهد و یا با قصد مضروب کردن او، ولی عمل مزبور غالباً باعث مرگ می‌شود و شخص نیز نسبت به این موضوع عالم است هر چند قصد قتل نداشته باشد.»^{۳۰}

از طرف دیگر، در بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ که مقنن عمل نوعی مرتکب که موجب وقوع جنایت ارتكابی یا نظیر آن می‌شود را پیش‌بینی کرده و آن را جایگزین قصد نتیجه می‌کند، علم به این جزء ضروری از سوی مرتکب را نیز برای عمدی بودن قتل لازم می‌داند و در ادامه بند ب بدین نحو به آن تصریح می‌کند: «... ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.» البته مقنن در تبصره ۱ ماده ۲۹۰، با مفروض انگاشتن علم و اطلاع مرتکب نسبت به کشنده بودن نوعی عمل ارتكابی، امکان اثبات خلاف آن را برای متهم در نظر داشته است. به عبارت دیگر در این‌گونه جنایات، اصل را بر آگاهی مرتکب دانسته مگر آنکه خلاف آن اثبات شود. در این تبصره آمده است: «در بند ب عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی است...» همچنین در ادامه این تبصره حالتی بیان شده که بر خلاف صدر آن باید ابتدا علم و آگاهی مرتکب اثبات شود و الا اثبات عمدی بودن جنایت ارتكابی را میسر نمی‌داند. و آن زمانی است که «... جنایت واقع شده به علت حساسیت زیاد موضع آسیب واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد...» به نظر می‌رسد این حالت بیشتر ناظر بر مواردی است که ممکن است فقط افرادی خاصی به دلیل تخصص یا آشنایی که نسبت به مواضع مختلف بدن انسان دارند، بدانند که مثلاً ضربه زدن به فلان قسمت از بدن انسان موجب آسیب یا مرگ وی می‌شود و این در حالی است که این نکته از نگاه اکثر مردم پوشیده است. مثلاً ورزشکار حرفه‌ای یکی از رشته‌های رزمی که می‌داند ضربه به نقطه خاصی از بدن موجب صدمه یا مرگ می‌شود؛ یا پزشکی که نسبت به نقاط

۲۹. همان.

۳۰. نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۲، ۱۲.

آسیب‌زای بدن مطلع بوده و این اطلاعات را مردم عادی ندارند. لذا در چنین مواردی است که باید لزوم این آگاهی با توجه به اطلاعات مرتکب ابتدا اثبات شود. اما در موضوع انتقال ویروس ایدز این نکته قدری قابل تأمل است و به طور کلی نمی‌توان حکم این قسمت از تبصره ۱ را به تمام جنایات ناشی از انتقال ویروس ایدز تعمیم داد. به عبارت دیگر، با توجه به حساسیت‌هایی که امروزه در سطح جامعه نسبت به خطرات این بیماری و کشنده بودن و راه‌های انتقال آن ایجاد شده است، اکثر افراد با داشتن آگاهی و اطلاعات متعارف می‌توانند کشنده بودن آن را درک کنند و در این شرایط، اگر کسی در حالی که می‌داند ناقل این بیماری است و رفتاری که مرتکب می‌شود (مانند برقراری رابطه جنسی) می‌تواند منجر به انتقال این آلودگی شود، مرتکب کار نوعاً گذشته‌ای محسوب می‌شود که عالم به کشنده بودن آن بوده است؛ لذا باید اصل را بر اطلاع و آگاهی او از کشنده بودن کارش بدانیم.

اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریه‌های متعدد در زمان حکومت قانون مجازات اسلامی سابق بر علم مرتکب به کشنده بودن تأکید داشته است، چنان‌که در نظریه‌ای در خصوص انتقال ویروس ایدز بیان داشته «چنانچه شخصی عالماً عامداً دیگری را مبتلا به ایدز نماید این جنایت عمدی است و بر حسب نتیجه ممکن است محکوم به قصاص (در صورت مرگ طرف به این علت) یا دیه یا ارش شود ... و چنانچه عمدی در کار نباشد، حسب مورد ممکن است جنایت شبه عمد باشد که دیه یا ارش بر عهده فاعل است.»^{۳۱}

همان‌طور که بیان شد و با توجه به توضیحات فوق ویروس ایدز هنگامی که از طریق یکی از راه‌های انتقال آن به بدن شخص وارد شود عاملی است که می‌تواند نوعاً موجب وقوع جنایت شود. پس عمدی محسوب کردن جنایات ناشی از انتقال این ویروس، به سبب نوعاً جنایت‌آمیز بودن آن و به موجب بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، مستلزم اثبات دو امر است: ۱- علم و آگاهی شخص نسبت به کشنده بودن و خطرناک بودن این بیماری ۲- علم و اطلاع وی نسبت به راه‌های انتقال آن. پس به عنوان مثال اگر ثابت شود فردی که از آلوده بودن خود به ویروس ایدز مطلع بوده با اقدامش باعث آلودگی و مرگ شخص دیگری شده ولی از این موضوع که کار او باعث انتقال این ویروس می‌شده و در واقع یکی از راه‌های انتقال آن بوده، بی‌اطلاع بوده باشد، نمی‌توان اقدام او را مشمول بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی و قتل عمدی دانست. به عبارت دیگر علم و اطلاع مرتکب نسبت به نوعاً

۳۱. ابادری فومشی، مجموعه نظرات مشورتی اداره حقوقی دادگستری (قوه قضائیه) در زمینه جزایی، ۳۳۹.

موجب جنایت شدن این بیماری مستلزم هم آگاهی نسبت به خطرات این ویروس و هم راه‌های انتقال آن به طور توأمان است. از طرفی همان‌طور که اشاره شد، تصریح مقنن در بند ب به لزوم آگاه بودن مرتکب به نوعاً کشنده بودن باعث نمی‌شود که ما لزوم وجود این آگاهی را نادیده بگیریم، به معنی آن نیز نیست که وی نمی‌تواند جهل خود را نسبت به این موضوع اثبات کند. همان‌طور که به اعتقاد عده‌ای در زمان حکومت قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز علی‌رغم فقدان تصریح امروز قانونگذار «در بند ب ماده ۲۰۶ با توجه به مطلق فرض کردن ویژگی کشنده بودن نسبت به انسان متعارف، آگاهی مرتکب نسبت به آن مفروض انگاشته شده و بار اثبات عدم اطلاع - که بر خلاف ظاهر است - بر عهده مرتکب قرار دارد.»^{۳۲} لذا اگر فردی که با انتقال ویروس ایدز به دیگری باعث وقوع جنایت بر او شده است بتواند جهل خود را نسبت به نوعاً کشنده بودن این بیماری اثبات کند، قاعداً از مسؤلیت ارتکاب جنایات عمدی مبرا خواهد بود. همچنین به نظر می‌رسد در خصوص پذیرش ادعای جهل و اثبات آن باید موضوع را با توجه به اوضاع و شرایط و داوری عرف بررسی کرد، و آگاهی یک انسان متعارف را در این باره مورد توجه قرار داد. به عنوان مثال شخصی مبتلا به ایدز است و می‌داند که امکان انتقال این بیماری از طریق او به دیگران وجود دارد ولی از راه‌های انتقال آن بی‌اطلاع بوده و در عین حال در انجام ارتباط با دیگران رعایت نکات پیشگیری کننده هیچ‌گونه احتیاطی نمی‌کند؛ در نتیجه باعث انتقال آن و مرگ شخص دیگری می‌شود، لذا به نظر می‌رسد در اینجا امکان محکوم کردن او به دلیل ارتکاب جنایات عمدی به سبب انجام کاری که نوعاً باعث وقوع جنایت می‌شود، وجود داشته باشد.

مسأله دیگری که باید بررسی شود این است که هر چند برخی معتقدند انفصال زمانی بین ارتکاب عمل و نتیجه حاصل از آن ممکن است باعث کاهش مسؤلیت مرتکب به ویژه در قتل‌های عمدی مبتنی بر فعل نوعاً کشنده (مانند جنایات ناشی از انتقال ویروس ایدز که در برخی موارد پس از گذشت مدت زمان نسبتاً طولانی از هنگام ورود این ویروس به بدن رخ می‌دهد) و خروج آن از عنوان قتل عمدی شود^{۳۳}، اما همان‌طور که این فاصله زمانی بین عمل انتقال ویروس ایدز و بروز صدمات ناشی از آن باعث نمی‌شود که رابطه سببیت بین این عامل کشنده و نتایج حاصل از آن از بین برود^{۳۴}، موجب آن نیز نمی‌شود که ویروس ایدز به

۳۲. میرمحمدصادقی، جرایم علیه اشخاص، ۱۱۱.

۳۳. طاهری نسب، رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان، ۳۳۶.

۳۴. میرمحمدصادقی، پیشین، ۸۶.

عنوان عاملی کشنده محسوب نشده و در نتیجه مرگ ناشی از آن عمدی نباشد. در ماده ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در این باره آمده است «وجود فاصله زمانی میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن مانع از تحقق جنایت نیست، مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است...». لذا هنگامی که فردی کسی را با علم و اطلاع به ویروس ایدز مبتلا می‌کند و این فرد بعد از مدت‌ها در نتیجه این بیماری می‌میرد عمل قاتل عمدی است؛ حتی اگر مثلاً سه سال یا بیشتر از زمان تحقق فعل مجرمانه گذشته باشد.^{۳۵}

بدین ترتیب، همان‌طور که اشاره شد، عبارت «نوعاً موجب جنایت واقع شده» که در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی آمده است به خصوصیت عمل توجه دارد و اینکه نتیجه مرگ‌آور عمل با فاصله‌ای بعد از ارتکاب آن حاصل شود، تأثیری در نوعاً کشنده بودن آن اقدام ندارد. به عبارت دیگر منظور از عمل نوعاً کشنده، عمل فوراً کشنده نیست.

پس با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد هنگامی که فرد منتقل‌کننده ایدز قصد مرگ ندارد ولی با قصد آلوده کردن دیگری ویروس را منتقل می‌کند^{۳۶}، و یا شخصی بدون اینکه قصد مرگ و قصد آلوده کردن دیگری را داشته باشد ولی با علم به آلوده‌کننده بودن رفتارش آن را انجام دهد، در صورت فوت مجنی‌علیه، می‌توان وی را به عنوان مرتکب قتل عمدی و به سبب انجام کار نوعاً کشنده قابل تعقیب دانست.

ارتکاب قتل عمد با فعل نوعاً کشنده در فقه اسلامی و حقوق ایران شباهت‌هایی با حقوق انگلستان دارد که در آن اگر کسی حتی قصد قتل نداشته ولی قصد ایراد صدمه شدید جسمانی به دیگری را داشته باشد و قربانی بمیرد، وی قاتل عمدی محسوب خواهد شد. در انگلستان برای ارتکاب قتل عمدی وجود سوء نیت همراه با سبق تصمیم ضروری است. این اصطلاح در بردارنده دو مفهوم است: ۱- قصد کشتن؛ ۲- قصد ایراد صدمه جسمانی شدید. بدین معنا که شخص باید صدمه شدید جسمانی را به عنوان نتیجه بسیار محتمل عمل خویش تشخیص دهد. به عنوان مثال شلیک به طرف شخصی بدون قصد کشتن او، اما همین قدر که تشخیص دهد قربانی ممکن است از صدمه‌ای جدی رنج ببرد به مفهوم داشتن سوء نیت به همراه سبق تصمیم است.^{۳۷}

35. www.lawyerkmh.mihanblog.com.

۳۶. البته اگر ما در انتقال ویروس ایدز قصد آلوده کردن را بتوانیم به عنوان قصد مرگ در نظر بگیریم، در این جا امکان محکوم کردن چنین فردی بر اساس بند الف ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی وجود دارد.

37. Martin, *A Dictionary of Law*, 302.

به همین دلیل مجلس اعیان انگلستان در پرونده‌ای این چنین اظهار نظر می‌کند که تنها قصد کشتن یا ایراد صدمه شدید است که برای سبق تصمیم سوء کافی است.^{۳۸} همچنین در جای دیگری در خصوص تأثیر قصد صدمه شدید جسمانی برای احراز قصد کشتن بیان می‌دارد: «اگر احتمال حصول مرگ یا صدمه‌ای جدی زیاد باشد، این احتمال می‌تواند به عنوان مدرک غیر قابل تردید دایر بر وجود قصد کشتن یا صدمه رساندن تلقی شود.»^{۳۹} به عبارت دیگر قاصد بودن شخص در حالی که نتیجه عملش را قصد نکرده است، از روی صرف پیش‌بینی آن قابل درک است، هر چند پیش‌بینی به عنوان قصد نیست، بلکه صرفاً اماره‌ای است که می‌توان از آن به قصد پی برد.^{۴۰}

لذا در انگلستان اگر متهم به طرقي مثل مباشرت جنسی یا سرنگ آلوده، صرفاً قصد آلوده کردن دیگری به ویروس ایدز و نه کشتن او را داشته باشد، بعضی از حقوقدانان انگلیسی این اقدام را به منزله ایراد صدمه شدید جسمانی دانسته‌اند.

در آلمان نیز مردی که با اطلاع از آلوده بودن خود به ویروس ایدز علی‌رغم توصیه پزشکان با افراد مختلفی رابطه جنسی برقرار کرده بود - که البته هیچ‌یک از آنان مبتلا نشده بودند - دادگاه با توجه به علم وی به مبتلا بودن خود، قصد وی را برای مبتلا کردن دیگران محرز دانسته و در نتیجه او را به شروع به ایراد صدمه شدید جسمانی محکوم کرد.^{۴۱}

در استرالیا، انتقال ویروس ایدز را با عناوینی چون در معرض خطر قرار دادن بدون ملاحظه یا صدمات فیزیکی و بدنی شدید مورد تعقیب قرار می‌دهند. لذا در سال ۲۰۰۵ شخصی به خاطر انتقال ویروس ایدز و به اتهام جرم «ورود صدمه شدید جسمانی» محکوم به ۱۲ سال حبس شد.^{۴۲}

در امریکا بر خلاف استرالیا و انگلستان چندین ایالت آن مقررات خاصی را جهت مجازات انتقال آگاهانه ایدز به تصویب رسانده‌اند و در قوانین جزایی سنتی به دنبال یافتن عناوین مجرمانه برای تعقیب این عمل نیستند.^{۴۳}

38. Padfield & Barker, *Law Made Simple*, 300.

39. Brown, *JCSE Law*, 213.

40. Elliott & Quinn, *Criminal Law*, 47.

۴۱. میرمحمدصادقی، پیشین، ۸۷.

Afao positon criminal prosec ation of HIV trans mission. www.Afao.org.au-1.

۴۳. احسان‌پور، «ایدز و حقوق کیفری»، ۸۶.

نتیجه

در خصوص جنایت عمدی و بر اساس بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، رفتار کسی که عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب وقوع جنایت باشد، علی‌رغم عدم احراز قصد جنایت، عمدی دانسته شده است. به طور کلی منظور از کار نوعاً کشنده در جنایت عمدی ایجاد صدماتی است که گاه به اعتبار وسیله و آلت به کار رفته در قتل و گاه به دلیل حساس بودن موضع اصابت در مورد هر انسان متعارفی موجب سلب حیات از مجنی‌علیه شود. انتقال ویروس ایدز می‌تواند به عنوان عملی نوعاً کشنده و عاملی برای وقوع قتل عمد باشد. زیرا فعل نوعاً کشنده به خصوصیت عمل توجه دارد و می‌تواند دارای مصادیق مختلفی باشد. لذا، چون انتقال ویروس ایدز باعث مختل شدن سیستم ایمنی و دفاعی بدن می‌شود و برای درمان آن نیز هیچ معالجه‌ای وجود ندارد و با توجه به ماهیت خطرناکش، به عنوان فعلی نوعاً کشنده محسوب می‌شود. از طرف دیگر عمدی محسوب کردن جنایات ناشی از انتقال ویروس ایدز و به سبب کشنده دانستن آن و به موجب بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مستلزم علم و آگاهی شخص نسبت به کشنده بودن و خطرناک بودن این بیماری و اطلاع وی نسبت به راه‌های انتقال آن است؛ لذا، هنگامی که فرد انتقال‌دهنده ایدز قصد مرگ ندارد ولی با قصد آلوده کردن دیگری ویروس را منتقل می‌کند و یا شخص بدون قصد مرگ و آلوده کردن دیگری ولی با علم به آلوده‌کننده بودن رفتارش باعث انتقال ویروس ایدز شود، در صورت وقوع مرگ مجنی‌علیه، به عنوان مرتکب قتل عمدی و به سبب انجام کار نوعاً کشنده قابل تعقیب است. همچنین وجود فاصله زمانی بین عمل انتقال ایدز و بروز صدمات ناشی از آن موجب آن نمی‌شود که ویروس ایدز به عنوان عاملی کشنده محسوب نشده و در نتیجه مرگ ناشی از آن عمدی نباشد. از طرفی دیگر، ارتکاب قتل عمد با فعل نوعاً کشنده در حقوق ایران شباهت‌هایی با حقوق کشورهای چوچون انگلستان و استرالیا دارد که در آنجا ارتکاب به قتل با قصد ایراد صدمه شدید جسمانی عمدی دانسته شده است ولو آنکه قصد قتل وجود نداشته باشد.

فهرست منابع

- آدلر، مایکل. راهنمای پزشکی خانواده (ایدز). چاپ دوم. ترجمه فرهاد همت‌خواه. تهران: انتشارات عصرکتاب، ۱۳۸۲.
- آقایی‌نیا، حسین. حقوق کیفری اختصاصی: جرایم علیه اشخاص. چاپ چهارم. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۷.
- اباذری فومشی، منصور. مجموعه نظرات مشورتی اداره حقوقی دادگستری (قوه قضائیه) در زمینه جزایی. تهران: انتشارات خط سوم، ۱۳۸۶.
- احسان‌پور، سید رضا. «ایدز و حقوق کیفری». فصلنامه حقوق پزشکی ۵ (۱۳۸۷).
- احسان‌پور، سیدرضا. مسؤولیت کیفری ناشی از انتقال ویروس ایدز. تهران: انتشارات حقوقی، ۱۳۸۸.
- الهی‌منش، محمدرضا، و محسن مرادی اوجفاز. حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۲.
- پاد، ابراهیم. حقوق کیفری اختصاصی: جرایم نسبت به اشخاص. تهران: انتشارات دانشور، ۱۳۸۵.
- پوربافرانی، حسن. حقوق جزای اختصاصی: جرایم علیه اشخاص. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.
- پیرداده بیرانوند، احسان‌الله. «بررسی مبانی فقهی مجازات قتل عمد». ماهنامه کانون وکلای دادگستری (اردیبهشت ۱۳۸۹).
- خوئی، سید ابوالقاسم. مبانی تکمله المنهاج، ج ۱ و ۲. چاپ سوم. به اهتمام علیرضا سعید. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۱.
- دادگر، یدالله. قانون مجازات اسلامی در آیینه آرا دیوان عالی کشور: قتل عمد، ج ۱. چاپ دوم. تهران: انتشارات دادگر، ۱۳۸۲.
- سپهوند، امیرخان. حقوق کیفری اختصاصی: جرایم علیه اشخاص. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۶.
- شاکری، ابوالحسن، و اسفندیار کندلاتی. «بررسی رکن روانی قتل عمد و کار نوعاً کشنده». پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی ۵: ۲ (۱۳۸۶).
- شامبیاتی، هوشنگ. حقوق جزای عمومی، ج ۱. چاپ هشتم. تهران: انتشارات ژوبین، ۱۳۷۶.
- شامبیاتی، هوشنگ. حقوق کیفری اختصاصی: جرایم علیه اشخاص، ج ۱. چاپ نهم. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۴.
- شهید ثانی. فقه استدلالی، ترجمه تحریرالروضه فی شرح المعه. چاپ ۲۱. ترجمه مهدی دامرزی. تهران: ۱۳۹۱.
- شیخ طوسی، الزهابه، ج ۲. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.
- صادقی، محمدهادی. حقوق جزای اختصاصی (۱). چاپ هشتم. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۴.
- طاهری نسب، سید یزدالله. رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان. تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۸۸.
- طباطبائی، سیدعلی. ریاض المسائل، ج ۱۴. قم: موسسه النشر السلامی، ۱۴۲۲ ه.ق.
- عزیزمحمدی، سوسن، محمدمسعود وکیلی، و بیژن قبادیان. جهان در دام ایدز. تهران: نشر گلرنگ یکتا، ۱۳۸۰.

- گلدوزیان، ایرج. *بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی*. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۸.
- گلدوزیان، ایرج. *محتشای قانون مجازات اسلامی*. چاپ هفتم. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۶.
- میرمحمدصادقی، حسین. *جرایم علیه اشخاص*. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.
- نایب‌زاده، اکبر. مترجم. *جواهر الکلام: قصاص*، ج ۱. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۲.
- نجفی، محمدحسن. *جواهر الکلام*، ج ۴۲. چاپ چهارم. تهران: دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- نوکنده‌ای، عزیز. *تحلیل حقوقی قتل عمد*. تهران: انتشارات حقوقدان، ۱۳۸۳.
- ولیدی، محمدصالح. *حقوق جزای اختصاصی: جرایم علیه اشخاص*، ج ۲. چاپ هفتم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱.

Brown, W.J. *GCSE Law*, London: Sweet & Maxwell, 1999.

Elliot, Catherin, & Frances Quinn. *Criminal Law*. Pearson Education Limited, 1996.

<http://www.afao.org.au>

<http://www.law.yermkh.mihanblog.com/>

<http://www.notary.ir/>

Martin, Elizabeth. *A Dictionary of Law*. New York: Oxford University Press, 2000.

Padfield, Colin, & D.L.A. Barker. *Law Made Simple*. Tehran: Majd Publisher, 2000.



ABSTRACTS

Transmission of AIDS Virus and Commit of Generic Deadly Action

Alireza Emamdadi

MA in Criminal Law and Criminology and member of academic Payamnoor University south Khorasan,
Email: a65ed@yahoo.com

&

Ebrahim Taghizade

Guide professor and member of academic staff, Email: taghizaadh@gmail.com

&

Mohammad-Ali Taheri

Guide professor and member of academic staff

Spread of AIDS illness in recent years and impossibility of cure for it, causes the infection and transmission of this illness; can be a doer for damage the people and commitment of crime. if the death occurs because of transmission can persuade as a homicide .

On the other hand, the 290th section of Islamic punishment law1392 says that one of the kinds of doing a murder, occurs when a killer do a generic deadly action without the purpose of killing him.

So, thinking that this homicide is intent due to typicality of the perpetration action and situations that a legislator considers for the meaning of a generic deadly action. Because of this, transmission of HIV virus whenever cause the death of victim, can count as a generic deadly action in some situations.

Keywords: AIDS, criminal, murder, a generic deadly action, intention of homicide.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XV, No. 1

2016-1

- **Transmission of AIDS Virus and Commit of Generic Deadly Action**
Alireza Emamdadi & Ebrahim Taghizade & Mohammad-Ali Taheri
- **Principle of Legitimacy, Sovereignty and Transformation of Traditional Structure of International Law**
Hossein Sartipi
- **Development and Transfer of Marine Technology in Viewpoint of International Law of Technology Development and Transfer in Theory and Practice**
Akbar Adibi
- **Developing Countries and WTO Disputes Settlement Mechanisms**
Sepideh Zebardast
- **Comparative Study of Broad and Narrow Interpretation of Contra Proferentem Rule in Insurance Contracts**
Alireza Yazdaniyan & Hamid Araei
- **An Inquiry on the Possibility of Crime against Joint Tenancy by Partner**
Mohammad Bagheri Komar Olia & Naser Nosrati Sadaghiani
- **World Bank Effort to Maintain International Peace and Security**
Malihe Behfar
- **No Fly Zone in International Law with Respect to Security Council Practice**
Aghil Mohammadi



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study